



گفت‌وگوی «جوان» با امیر تاجیک، مدیر شبکه مستند

مستندهای اندک ولی تأثیرگذار بسازیم

ما با هزینه‌ای که برای معمای شاه شده حداقل ۲۰ مستند درجه یک می‌ساختیم

■ محمدصادق عابدینی

شبکه مستند سیمیا تا چند روز دیگر پنج ساله می‌شود. شبکه‌ای تخصصی به‌منظور پخش فیلم‌های مستند که توانسته جایگاه خوبی در میان بینندگان تلویزیون به دست آورد. شبکه مستند در طول یک سال

آقای تاجیک‌ا رمز موفقیت شبکه مستند را در چه چیزی می‌دانید، چطور شد که در طول یک سال مخاطبان‌تان رشد قابل توجهی داشته‌اند؟

واقعیت این است که ما باید رسانه ملی را یک کل ببینیم که اگر هر بخش بتواند موفق‌تر عمل کند برای کل رسانه ملی خوب است. ما اصلاً این قصد نداشتیم که بخواهیم مخاطب دیگر شبکه‌ها را جذب کنیم، در این یک سال برای ما دو چیز مهم بود؛ یکی اینکه فرم شبکه را درست کنیم و دیگری محتوای آن را درست کنیم. این‌شاه‌الله، ما به زودی به لحاظ فرمی و ظاهری تغییر خواهیم کرد. اما به لحاظ محتوا برای ما مهم این بود که آدم‌های زیادی را درگیر کرده و دنبال کارهای مستقل برویم، این برای ما خیلی مهم بود؛اولویت ما پر کردن آنتن با کارهای تولیدی است. قیلاروی محتوا خیلی فکر نمی‌شد.
کما اینکه خیلی کارهای خوبی هم ساخته شده و نباید غیرمنصفانه صحبت کنیم. ضمن اینکه سعی کردیم به جای اینکه یک سریال مثلاً ۴۰ قسمتی بسازیم، یک فیلم مستقل بسازیم که هم بتوانیم برای آن رونمایی بگذاریم و هم بتوانیم آن را در جاهای مختلف عرضه کرده و به شبکه‌های دیگر بدهیم. من واقعاً متأسفم که خیلی از برنامه‌های چند ۱۰ قسمتی دوره‌های گذشته را اصلاً نمی‌توانیم بازپخش کنیم و به هر حال برنامه‌های شبکه که کلاً تولیدی نیست، در یکسری فیلم‌های آرشیوی و... وجود دارد ولی به خاطر محتوا و ساختار خیلی از این فیلم‌ها نمی‌شود باز پخش کرد. کمتر کسی پیدا می‌شود که مستندهای مستقل چند سال گذشته را برای آن‌ها تماشا می‌کند و گفتگو محور را به خاطر داشته باشد.

شما از تولید مجموعه‌های مستند به سمت تولید مستندهای تک قسمتی رفت‌ه‌اید، دلیل این تغییر رویکرد در تولید برنامه چیست؟
هدفمان از تولید مستند تک قسمتی و مستقل این نیست که در جشنواره‌ها تعداد کارهایمان بیشتر شود، حتی هدفمان این نیست که جایزه بگیریم، رویکرد ما این است که فیلم‌های مستقلی که می‌سازیم مدیوهای مستقلی برای عرضه داشته باشد. مهم این است که ما مسائل مختلف را از طریق ابزار آلات متفاوت بیشتر به مخاطب ارائه بدهیم.

آقای تاجیک! شما به عنوان یک مستندساز، احساس نمی‌کنید که در چند سال اخیر مخاطبان و مردم تغییر ذائقه داده‌اند؟ یعنی هر چه جلوتر می‌رویم انگار مستند دیدن هم برای مردم جذاب‌تر افتاده و برای تماشا می‌آن وقت می‌گذارند. انگار مردم دوست دارند بیشتر مستند ببینند!

این موضوع تنها مختص کشور ما نیست، من در پرس‌توی هم که حضور داشتم به وضوح این موضوع را دیدم. متأسفانه تلویزیون سال‌ها در حوزه مستند کم کاری کرده‌است. اوج دوران طلایی تلویزیون در حوزه مستند متعلق به شهید آوینی است که بدون واسطه آمد یک سری حقایق را برای مردم نمایش داد که خیلی هم تأثیرگذار بود. در برنامه‌های مثل روایت فتح، مستند به خوبی عرضه می‌شد، ولی رسانه ملی مدت طولانی‌ای خود را از مستند کنار کشید. به نظر من این ذائقه به واسطه گسترش بسترهای رسانه‌های اجتماعی کمی تقویت شده‌است. کشورهای دیگر هم همین روال را داشته‌اند و به نوعی می‌توان گفت در سال‌های اخیر مردم با مستند دیدن عین شده‌اند. این فرصتی است که رسانه ملی باید

گذشته از نظر رشد میزان تماشاگر به رکورد خوبی دست یافته‌است. این در حالی است که بسیاری از شبکه‌های تخصصی سیمیا نتوانسته‌اند آفتور که باید موفق عمل کنند. تغییرات شبکه مستند سیما و تبدیل این شبکه به عنوان یکی از شبکه‌های HD شده سیما، رویکرد مدیریّت

از آن استفاده کند. وجود یک شبکه مستند خیلی خوب است و ما نیز باید دامنه تولیدات خوب را بالا ببریم. **منظور تان همین تولیدات مستقل است؟** منظورم این است که وقتی توفعی بالای‌می‌رود از طرفی هم باید آن را با ادامه ارائه آثار نو و جذاب پشتیبانی کرد. اما توقعات مردم را بالا بردیم که بتوانیم مستندهای خوبی پخش کنیم. در کل نظرم این است که رسانه ملی باید یک چیزی را به صورت اثرناپو به مردم ارائه دهد. **به نظر من شبکه مستند در حال اقناع سلیقه‌های مختلف و ذائقه سخت پسند مخاطبان تلویزیون است. در مستندهای اجتماعی، سیاسی، گردشگری و میراث فرهنگی، در مجموع توانسته‌اید برای هر سلیقه‌ای پاسخی داشته باشید، آیا این تنوع را می‌توان به مخاطب خارجی نیز تسری داد؟ نمی‌خواهید شبکه مستند را بین‌المللی کنید؟**

این خیلی خوب است که شبکه مستند بتواند در عرضه بین‌المللی فعالیت کند. ما بسیاری از کارهایمان را با نگاه عرضه در سطح بین‌المللی تولید کردیم که بتواند اگر آن‌های خارجی داشته باشند و مخاطبان غیرایرانی نیز با آن ارتباط برقرار کنند و بتوانیم آنها را در بازارهای فیلم به فروش برسانیم. به عنوان مثال وقتی یک خارجی می‌خواهد به ایران بیاید در کشور ما دوست ندارد پیتزا بخورد، پیتزا در همه دنیا هست، او ترجیح می‌دهد غذای ایرانی بخورد، شاید دوست داشته باشد خورشت فسنجان بخورد.ما همین موضوع درباره مستندهای ایرانی هم صدق می‌کند ما که نباید برای اینکه مخاطب را جذب پیتزا به خورد او دهیم!

این را برای مثال گفتیم اما توجه داشته باشید که ایرانی بودن فیلم‌های مستند تولیدی ما باید به شدت حفظ شود. ایرانی بودن مستند را نباید فراموش کنیم.

در همه جای دنیا نیز به این صورت عمل می‌کنند، این یعنی کار استاندارد کردن. مثل همان کاری که بی‌بی‌سی هم در تولید مستند انجام می‌دهد. الان اگر به عنوان یک مستندساز به شبکه بی‌بی‌سی بروید و بگویید می‌خواهید درباره فلان موضوع فیلم بسازید، اصلاً با شما همکاری نمی‌کنند. بی‌بی‌سی شاید فیلمی را که تولید کرده باشید، بخرد. آنها به لحاظ کاری و به لحاظ خطی خوب باشید و بخواهید برای بی‌بی‌سی کار تولید کنید، شما آزادی عمل ندارید و کارهایتان را باید در همان قالب بسازید. شک تکنید فیلمی هم که در بی‌بی‌سی تولید می‌شود برای خود شبکه هم که در آن‌شاه‌الله، ما به زودی به لحاظ فرمی و ظاهری تغییر خواهیم کرد. اما به لحاظ محتوا برای ما مهم این بود که آدم‌های زیادی را درگیر کرده و دنبال کارهای مستقل برویم، این برای ما خیلی مهم بود؛اولویت ما پر کردن آنتن با کارهای تولیدی است. قیلاروی محتوا خیلی فکر نمی‌شد.
کما اینکه خیلی کارهای خوبی هم ساخته شده و نباید غیرمنصفانه صحبت کنیم. ضمن اینکه سعی کردیم به جای اینکه یک سریال مثلاً ۴۰ قسمتی بسازیم، یک فیلم مستقل بسازیم که هم بتوانیم برای آن رونمایی بگذاریم و هم بتوانیم آن را در جاهای مختلف عرضه کرده و به شبکه‌های دیگر بدهیم. من واقعاً متأسفم که خیلی از برنامه‌های چند ۱۰ قسمتی دوره‌های گذشته را اصلاً نمی‌توانیم بازپخش کنیم و به هر حال برنامه‌های شبکه که کلاً تولیدی نیست، در یکسری فیلم‌های آرشیوی و... وجود دارد ولی به خاطر محتوا و ساختار خیلی از این فیلم‌ها نمی‌شود باز پخش کرد. کمتر کسی پیدا می‌شود که مستندهای مستقل چند سال گذشته را برای آن‌ها تماشا می‌کند و گفتگو محور را به خاطر داشته باشد.

شما از تولید مجموعه‌های مستند به سمت تولید مستندهای تک قسمتی رفت‌ه‌اید، دلیل این تغییر رویکرد در تولید برنامه چیست؟

هدفمان از تولید مستند تک قسمتی و مستقل این نیست که در جشنواره‌ها تعداد کارهایمان بیشتر شود، حتی هدفمان این نیست که جایزه بگیریم، رویکرد ما این است که فیلم‌های مستقلی که می‌سازیم مدیوهای مستقلی برای عرضه داشته باشد. مهم این است که ما مسائل مختلف را از طریق ابزار آلات متفاوت بیشتر به مخاطب ارائه بدهیم.

آقای تاجیک! شما به عنوان یک مستندساز، احساس نمی‌کنید که در چند سال اخیر مخاطبان و مردم تغییر ذائقه داده‌اند؟ یعنی هر چه جلوتر می‌رویم انگار مستند دیدن هم برای مردم جذاب‌تر افتاده و برای تماشا می‌آن وقت می‌گذارند. انگار مردم دوست دارند بیشتر مستند ببینند!

این موضوع تنها مختص کشور ما نیست، من در پرس‌توی هم که حضور داشتم به وضوح این موضوع را دیدم. متأسفانه تلویزیون سال‌ها در حوزه مستند کم کاری کرده‌است. اوج دوران طلایی تلویزیون در حوزه مستند متعلق به شهید آوینی است که بدون واسطه آمد یک سری حقایق را برای مردم نمایش داد که خیلی هم تأثیرگذار بود. در برنامه‌های مثل روایت فتح، مستند به خوبی عرضه می‌شد، ولی رسانه ملی مدت طولانی‌ای خود را از مستند کنار کشید. به نظر من این ذائقه به واسطه گسترش بسترهای رسانه‌های اجتماعی کمی تقویت شده‌است. کشورهای دیگر هم همین روال را داشته‌اند و به نوعی می‌توان گفت در سال‌های اخیر مردم با مستند دیدن عین شده‌اند. این فرصتی است که رسانه ملی باید

گفت‌وگو

گفت‌وگو با ۸۸۴۸۴۲۸

خیلی نمی‌توانیم به رسانه ملی فشار بیاوریم. هوشمندی شبکه‌های معاند در این است که آنها یک مستند می‌سازند و آن را یک سال طول می‌دهند، کلی هم برای آن هزینه می‌کنند و آن را ۱۰ بار هم پخش می‌کنند. ما باید حتماً به این سمت برویم که تحملمان را بالاتر برده و برای این کار بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم. به نظر من رسانه ملی به اندازه‌ای که در سرمایه‌گذاری در مستند موفق خواهد بود در هیچ ژانری به این حد موفق نخواهد بود.

آقای تاجیک! شما خودتان هم کم و بیش می‌بینید که رسانه ملی و شبکه مستند پر از مخاطب شده است. حتی خیلی‌ها این مسئله را اذعان می‌کنند که شبکه مستند، شبکه‌ای جاندار شده است. ولی به هر حال انتقادهایی هم به خود شما شده‌است. یعنی از همان روز اولی که آمدید و این کار را در دست گرفته‌اید حاشیه‌هایی بوده‌است. در کنار اینکه می‌گویند آقای تاجیک جوان پرازنری‌ای است که وقت گذاشته‌است و مثلاًگرایش به جریان‌های روشنفکری و... است.

این حاشیه‌ها هم با پخش چنارستان به وجود آمد. می‌گفتند مستند چنارستان در تعریف و تمجید پهلوی است و می‌گفتند چرا شبکه مستند باید چنین فیلمی را پخش کند. از آن زمان هم این حساسیت روی شبکه مستند به وجود آمد و همچنان هم وجود دارد.

می‌خواهم این بحث را برای خوانندگان ما تحلیل کنید. برخی از دوستان نقش آقای آفریده را پررنگ می‌بینند و می‌گویند

خطوط حزب‌اللهی و جریاناتی مشابه به اینجا خیلی بیشتر از تک و توک مستنداتی هستند که می‌خواهند به آنها برچسب شبهه‌روشنفکری هم زده شود. اصلاً این ساز و کار رسانه ملی است که جلوی این کارها را می‌گیرد و این بچه‌های حزب‌اللهی هستند که در اینجور مواقع باید اعتراض کنند. ما نهادهای نظارتی زیادی داریم که روی عملکرد شبکه‌های مختلف رادوبویی و تلویزیونی نظارت دارند. خود دفتر مقام معظم رهبری برای نظارت بر شبکه‌های تلویزیونی مرکز نظارت دارد. اصلاً خود این ساختار اجازه نفوذ این جریان‌های روشنفکری را نمی‌دهد.

آقای تاجیک! برداشت خود شما از نسخه اصلی چنارستان چه بود؟
به نظر من نسخه تلویزیونی آن مشکلی نداشته است. فیلم‌هایی که در مرکز گسترش تولید می‌شوند یا برای آرشیو شدن تولید می‌شوند یا برای رفتن به جشنواره. این فیلم‌ها برای پخش تولید نمی‌شوند. خوب خاطر هم هست که یک فیلم ساخته که پرس‌توی ۶۰ دقیقه از آن را پخش کرد اما همین مستند در شبکه خودمان بیش از ۳۰ دقیقه آن پخش نشد. ببینید در همه جای دنیا یک جور قوانین وجود دارد. به نظر من نسخه تلویزیونی این کار مشکلی نداشت. اگر این حواشی‌ها سر این فیلم چنارستان نبود، چنارستان هم چنارستان نبود. حرف من این است که ما در شبکه مستند باید فضا را برای همه مستندسازان مهیا کنیم. همه این فیلم‌هایی هم که می‌آیند خارج از خطوط فکری خود فیلمساز نیست. خود رهبری هم در یکی از دیدارهایشان ایراد فرمودند که رسانه ملی یک نهاد فراقوه‌ای است.

آقای تاجیک! در این چند سال اخیر خود



به نظر من دلیل اصلی اینکه بخش عمده‌ای از مردم ما به مستند علاقه پیدا کرده‌اند، تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای است. به نظرم کم‌کم بی‌بی‌سی و من و تو مردم ما را مستندبین کرده‌اند. به هر حال در این چند سال اخیری که بی‌بی‌سی و من و تو آمده‌اند و فعالیت می‌کنند، بخش عمده‌ای از کارشان مستندسازی و پخش دیگری از کارشان مستندسازی تاریخی است. خب بالاخره اینها بی‌تأثیر نبوده‌اند و تا حد زیادی باعث شده‌اند که مردم ما مستندبین شوند. به عنوان مثال کار «از تهران تا قاهره» که از من و تو پخش شد و خیلی هم به لحاظ عمومی تأثیر گذار بود و بی‌بی‌سی هم یک یک مورد درباره «خط و نشان رهبری» پخش کرد؛ مستندهایی که در فضای عمومی ایران تأثیر گذار بود. در حوزه تاریخ مستندسازی ما، چرا سبتمای مستند سمت تهیه و تولید مستندسازان منطقه را با رسانه ملی درگیر کنیم. در حالی که خیلی از مستندسازان خوب اصلاً سمت رسانه ملی نمی‌آیند. کلاً ریسک کار فرهنگی

خدایی ناکرده اگر من بخواهم یک روز تسهیل‌کننده جریان روشنفکری در صدا و سیما باشم مطمئناً لعنت آن برای من ابدی خواهد بود. من دوست دارم که طیف وسیعی از مستندسازان منطقه را با رسانه ملی درگیر کنیم. در حالی که خیلی از مستندسازان خوب اصلاً سمت رسانه ملی نمی‌آیند. کلاً ریسک کار فرهنگی و شما نتیجه آن را بعد از اینکه کار در دست مستندسازان منطقه را با رسانه ملی درگیر کنیم. در حالی که خیلی از مستندسازان خوب اصلاً سمت رسانه ملی نمی‌آیند. کلاً ریسک کار فرهنگی

کیفیتی که شبکه مستند پیدا کرده به خاطر این است که آقای آفریده توانسته مستندسازهای حرفه‌ای را دور هم جمع کند و با مراکز مختلف قرار داد ببندد و... در واقع به نوعی آقای آفریده را مرد استراتژیک شبکه مستند می‌دانند. خودتان چه نظری دارید؟

واقعیت این است که یکی از چیزهایی که همیشه اجلیت کار کردن مدیران را در عرضه‌های مستندسازی روز دنیا می‌گیرد همین حواشی‌هایی است که به وجود می‌آیند. این حاشیه‌ها فشارهایی را به لحاظ فکری برای مدیران وارد می‌کند. من به شخصه تعریف خاصی برای جریان شبهه‌روشنفکری ندارم و صرفاً کار را برای حرفه‌ای می‌بینم. همه نوع مستندساز با همه نوع دیدگاه که در چارچوب نظام و رهبری قابل تعریف هستند، با ما دارند کار می‌کنند. یعنی از طیف‌های مختلف در حال همکاری با ما هستند. برای خود من همیشه این سؤال بوده که چرا قبل از بحث چنارستان که به آن اشاره کردید، تا این حد حاشیه برای ما وجود نداشت؟ با وجود همه انتقادهای که از صداوسیما می‌شود، از نظر مقام معظم رهبری صدا و سیما مهم‌ترین مرکز حیات فکری جامعه ما است.

آنهایی که به ما انتقاد می‌کنند شبکه مستند به صورت شبهه‌روشنفکری به وجود آمده، اصلاً با ساختار رسانه ملی آشنایی ندارند. من فکر می‌کنم اگر بچه حزب‌اللهی‌ها ببینند که در آنتن جمهوری اسلامی یک چنین اتفاقاتی می‌افتد خواب شب هم برایشان حرام می‌شود. مگر ما باید اجازه بدهیم که آنتن جمهوری اسلامی جای جریاناتی باشد که خارج از چارچوب نظام و رهبری هستند؟ در کل می‌توانم بگویم که دیدن من به بحث تولید صرفاً یک دید حرفه‌ای است و تمام مستندهایی را که در این چارچوب تعریف شوند را ما پخش می‌کنیم. البته این کار را هم کرده‌ایم. اتفاقاً اگر آنتن را به ۱۰۰ سهم تقسیم کنیم، سهم



به نظر من دلیل اصلی اینکه بخش عمده‌ای از مردم ما به مستند علاقه پیدا کرده‌اند، تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای است. به نظرم کم‌کم بی‌بی‌سی و من و تو مردم ما را مستندبین کرده‌اند. به هر حال در این چند سال اخیری که بی‌بی‌سی و من و تو آمده‌اند و فعالیت می‌کنند، بخش عمده‌ای از کارشان مستندسازی تاریخی است. خب بالاخره اینها بی‌تأثیر نبوده‌اند و تا حد زیادی باعث شده‌اند که مردم ما مستندبین شوند. به عنوان مثال کار «از تهران تا قاهره» که از من و تو پخش شد و خیلی هم به لحاظ عمومی تأثیر گذار بود و بی‌بی‌سی هم یک یک مورد درباره «خط و نشان رهبری» پخش کرد؛ مستندهایی که در فضای عمومی ایران تأثیر گذار بود. در حوزه تاریخ مستندسازی ما، چرا سبتمای مستند سمت تهیه و تولید مستندسازان منطقه را با رسانه ملی درگیر کنیم. در حالی که خیلی از مستندسازان خوب اصلاً سمت رسانه ملی نمی‌آیند. کلاً ریسک کار فرهنگی

کیفیتی که شبکه مستند پیدا کرده به خاطر این است که آقای آفریده توانسته مستندسازهای حرفه‌ای را دور هم جمع کند و با مراکز مختلف قرار داد ببندد و... در واقع به نوعی آقای آفریده را مرد استراتژیک شبکه مستند می‌دانند. خودتان چه نظری دارید؟

واقعیت این است که یکی از چیزهایی که همیشه اجلیت کار کردن مدیران را در عرضه‌های مستندسازی روز دنیا می‌گیرد همین حواشی‌هایی است که به وجود می‌آیند. این حاشیه‌ها فشارهایی را به لحاظ فکری برای مدیران وارد می‌کند. من به شخصه تعریف خاصی برای جریان شبهه‌روشنفکری ندارم و صرفاً کار را برای حرفه‌ای می‌بینم. همه نوع مستندساز با همه نوع دیدگاه که در چارچوب نظام و رهبری قابل تعریف هستند، با ما دارند کار می‌کنند. یعنی از طیف‌های مختلف در حال همکاری با ما هستند. برای خود من همیشه این سؤال بوده که چرا قبل از بحث چنارستان که به آن اشاره کردید، تا این حد حاشیه برای ما وجود نداشت؟ با وجود همه انتقادهای که از صداوسیما می‌شود، از نظر مقام معظم رهبری صدا و سیما مهم‌ترین مرکز حیات فکری جامعه ما است.

آنهایی که به ما انتقاد می‌کنند شبکه مستند به صورت شبهه‌روشنفکری به وجود آمده، اصلاً با ساختار رسانه ملی آشنایی ندارند. من فکر می‌کنم اگر بچه حزب‌اللهی‌ها ببینند که در آنتن جمهوری اسلامی یک چنین اتفاقاتی می‌افتد خواب شب هم برایشان حرام می‌شود. مگر ما باید اجازه بدهیم که آنتن جمهوری اسلامی جای جریاناتی باشد که خارج از چارچوب نظام و رهبری هستند؟ در کل می‌توانم بگویم که دیدن من به بحث تولید صرفاً یک دید حرفه‌ای است و تمام مستندهایی را که در این چارچوب تعریف شوند را ما پخش می‌کنیم. البته این کار را هم کرده‌ایم. اتفاقاً اگر آنتن را به ۱۰۰ سهم تقسیم کنیم، سهم

جوان